

## صور خیال در شعر فارسی

۴



از مبانی مهمی که شاعر برای زیباتر کردن سخن خود و تفکیک آن از یک سخن ساده و معمول بهره می‌گیرد، استفاده از عناصری هستند. این آرایه‌ها شعر را خیال‌انگیز کرده و بین مفاهیم ذهنی شاعر و آنچه حقیقتاً در طبیعت موجود است، پلی شکوهمند و اسرارآمیز می‌زند. از میان تحقیقاتی که در بررسی ماهیت این عناصر و شناخت آن در آثار ادبی و شعر فارسی صورت گرفته، باید به کتاب «صور خیال در شعر فارسی» شفیعی کدکنی اشاره کرد...

## با چراغ و آینه

۵



«با چراغ و آینه» در جست‌وجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران است. شفیعی کدکنی در این اثر با ارائه چشم‌اندازی دیگر، به دگرگونی نهادهای اجتماعی، اقتصادی و اصلاحات عباس میرزا می‌پردازد و مفاهیمی همچون آزادی، آرمان‌های ملی، میهن‌پرستی، سوسیالیسم، تجدد دینی و... را بررسی می‌کند تا «در جست‌وجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران»، تصویری همه‌جانبه به مخاطب ارائه کند...

## شاعر آینه‌ها

۶



شفیعی کدکنی در «شاعر آینه‌ها» چند مقاله ارزشمند پیرامون سبک هندی و به‌ویژه سبک بیدل و بیدل‌شناسی را به همراه گزیده‌ای از غزلیات و رباعیات او ارائه کرده است، که راهنمای بسیار خوبی برای درک ظرایف شعر بیدل دهلوی است. شاید نام بیدل در میان شاعران فارسی‌زبان در ایران چندان پرآوازه نباشد، ولی با کلیدهایی مانند تصاویر پارادوکسی، حس‌آمیزی، وابسته‌های عددی، تجرید و تشخیص و همچنین معرفی فرهنگ بیدل که کدکنی در اختیار خواننده قرار داده‌اند...

نمونه اولین شعر این دفتر با عنوان «دبیاچه»:  
بخوان به‌نام گل سرخ در صحرای شب  
که باغ‌ها همه بیدار و بارور گردند.  
یا شعر «سفر به‌خیر»:  
به کجا چنین شتابان؟  
گون از نسیم پرسید.  
یا شعر «دریا»:  
حسرت نبرم به خواب آن مرداب  
کارام درون دشت شب خفته‌ست...

به‌سبب دلبستگی و تسلط م. سرشک بر متون کهن فارسی، بعضاً از جاعاتی به این متن‌ها به چشم می‌خورد. برای مثال، شفیعی کدکنی اشاراتی به سهروردی و عین‌القضات داشته و مصرع‌هایی از حافظ و مولانا را تضمین کرده، و البته یک‌جا یاد می‌کند که است از رفیق شفیق خود یعنی اخوان ثالث (م. امید). ارادت شفیعی کدکنی به اخوان، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. شفیعی، سال‌ها بعد دوستی را در حق اخوان تمام کرد و کتابی نوشت با عنوان «حالات و مقامات م. امید» (سخن، ۱۳۹۰) که مجموعه خاطراتش از اخوان ثالث بود و البته شامل چند یادداشت درباره شعر او، درج شعرهایی نظیر «حلاج» در این مجموعه، باز هم ارجاعی است به تاریخ تصوف و البته به‌نوعی طنزین صدای سیاست در آن زمانه هم هست:

تو در نماز عشق چه خواندی؟

که سال هاست

بالای دار رفتی و این شحنه‌های پیر

از مرده‌ات هنوز

پرهیز می‌کنند.

دیگر شعرهای سیاسی-اجتماعی این دفتر شعر نیز بعضاً حاوی اشارات و تلمیحاتی است که گویای شناخت شاعر از تاریخ و فرهنگ است:

ای خضر سرخ‌پوش صحرای

خاکستر خجسته ققنوسی را

بر این گروه مرده بیافشان.

یا:

در بامداد رجعت تاتار

دیوارهای کوتاه نیشابور

تسلیم نیزه‌های بلند است؛

در هر کرانه‌ای

فواره‌های خون.

پیشتر اشاره شد که در شعر م. سرشک طبیعت و جلوه‌های آن نقش پررنگی ایفا می‌کند. این دفتر شعر نیز از این لحاظ مستثنی نیست. در جهان شعر شفیعی کدکنی (درست مثل شعر دیگر شاعران شهیر یک‌صد سال اخیر ایران) هریک از پدیده‌ها و عناصر طبیعی به‌جهت ویژگی‌های خاصی که دارند، با روابط و مسائل انسانی ترکیب می‌شوند و تناظر می‌یابند. بدین ترتیب، طبیعت بدل به الگو یا آینه‌ای می‌شود که احوالات انسان و جهان اجتماعی او را باز می‌تاباند یا او را به حرکت و تعالی فرامی‌خواند. م. سرشک بدان جهت که همواره با طبیعت مأنوس بوده و چون مسائل و چالش‌های انسان معاصر را خوب می‌شناسد، در این دفتر شعر توانسته پیوندی عمیق میان این دو برقرار کند.

عمده اهمیت دفتر شعر «در کوچه‌باغ‌های نیشابور» به همین نکته برمی‌گردد. شفیعی کدکنی، هم به شعر سمبلیک علاقه نشان می‌دهد و هم دچار طبیعت است، پس احضار عناصر طبیعی برای او بهترین محمل است تا روحیه روستایی خود را به‌وضوح نشان دهد و ضمناً نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی بی‌اعتنا ظاهر نشود. مجموعه‌ی این عوامل پیچیده و درهم تنیده در این دفتر شعر، از م. سرشک شاعری ساخته است آگاه، چندوجهی و مشتاق که ایمان به «امید» دارد.

به ابر خواهد گفت

به باد خواهد گفت

که این فضا چه پلید است و آسمان کوتاه...

به‌هر حال انتشار «از زبان برگ»، ظهور شاعری جدی و آگاه را مژده می‌داد که رفته‌رفته راه خود را پیدا می‌کند و در مثلث عشق و طبیعت و اجتماع، مستقلاً و نه زیر سایه سنگین دیگر شاعران، به طبع آزمایی مشغول است. حتی تجربه‌های رمانتیک شاعر نیز از سطح احساسات رقیب فراتر می‌رود و با زبانی پخته و قوی با مخاطب به اشتراک گذاشته می‌شود:

دیروز،

چون دو واژه به یک معنی

از ما دوگانه

هریک

سرشار دیگری

و امروز

چون دو خط موازی

در امتداد یک راه

یک شهر

یک افق

بی‌نقطه تلاقی و دیدار

حتی،

در جاودانگی.

چهارمین دفتر شعر م. سرشک که موضوع اصلی بحث این نوشتار است، «در کوچه‌باغ‌های نیشابور» نام گرفته است. می‌دانیم که شفیعی کدکنی در یکی از روستاهای نیشابور به‌نام کدکن زاده شده و انتخاب این عنوان، بی‌مناسبت نیست. این دفتر شعر در سال ۱۳۵۰ و در تهران انتشار یافت. به‌سبب محتوای بعضاً سیاسی و اجتماعی، «در کوچه‌باغ‌های نیشابور»، بسیاری از شعرهای این مجموعه مورد توجه روشنفکران آن دوره قرار گرفت. شفیعی کدکنی زمانی که این مجموعه را منتشر کرد، چند سالی بود که در کسوت استادی ادبیات دانشگاه تهران شناخته می‌شد و اثر گران‌سنگ «صور خیال در شعر فارسی» از او به چاپ رسیده بود؛ از کتاب اخیر هنوز هم به‌عنوان یکی از ارزشمندترین آثار تحقیقی پیرامون ادب فارسی یاد می‌شود. به‌هر حال، این دفتر شعر مورد توجه منتقدان و صاحبان فن قرار گرفت و مورد نقد و نظرهای فراوانی واقع شد. به‌الدین خرمشاهی نوشت که «خشم و خروش شفیعی نجیبانه و اهورایی» و «بعضی از شعرهایش شعارگونه» شده است. مصطفی رحیمی نیز یادآوری کرد که



شفیعی کدکنی، هم به شعر سمبلیک علاقه نشان می‌دهد و هم دچار طبیعت است، پس احضار عناصر طبیعی برای او بهترین محمل است تا روحیه روستایی خود را به‌وضوح نشان دهد و ضمناً نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی بی‌اعتنا ظاهر نشود. مجموعه‌ی این عوامل پیچیده و درهم تنیده در این دفتر شعر، از م. سرشک شاعری ساخته است آگاه، چندوجهی و مشتاق که ایمان به «امید» دارد

«دسترسی به گنجینه فرهنگ بشری و تتبع در شعر کهن فارسی شرط کافی شاعری نیست، اما شرط لازم آن هست. آنچه شعر سرشک - یکی دو نفر دیگر - را از شعر شاعران دیگر این نسل ممتاز می‌کند، توجه به این دو امر است». به تعبیر حمید زرین کوب «شاعر همه‌جا در این مجموعه از پیام و رسالت اجتماعی خود سخن می‌گوید» چرا که «هرگز نمی‌تواند انسان و اجتماع را فراموش کند».

«در کوچه‌باغ‌های نیشابور» با چند سطر از نامه‌های عین‌القضات همدانی و رباعی مشهوری از عطار نیشابوری آغاز می‌شود: «گر مرد ره‌ی، میان خون باید رفت...» می‌دانیم که شفیعی کدکنی سخت دلبسته تصوف ایرانی و خاصه «فریدالدین عطار کدکنی نیشابوری» است که اتفاقاً همشهری اوست. او با درج این رباعی در ابتدای دفتر شعرش، هم ما را به کوچه‌باغ‌های نیشابور می‌برد و هم - در همین ابتدا - حال‌وهوایی سیاسی و اعتراضی سروده‌هایش را آشکار می‌کند.

بسیاری از شعرهای این دفتر بعدها توانستند در حافظه مخاطبان جدی شعر فارسی حک شوند؛ برای